

## استناد به منابع نادسترس

کوشیار گیل\*

سردبیر محترم آینه میراث

دانشمند جوان جناب جويا جهانبخش در مقاله «هندوشاه نخجوانی و سروده‌های باز یافته‌اش» که در آن نشریه (شماره‌های ۳۳ و ۳۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۵) منتشر شده، سروده‌های هندوشاه نخجوانی را از بطن کتاب صحاح الفرس، نوشته پسرش محمد بن هندوشاه استخراج (یا بقول نویسنده بیرون نویسی) کرده و آنها را دوباره کشف (یا بقول نویسنده باز یافته) است. در اینکه بازکشف (باز یافت) اشعار هندوشاه نخجوانی کاری مهم است تردیدی نیست. اما جالب آن است که در این نوشته، روشهای ابداعی در استناد به منابع دارد که قاعدتاً باید در آیین‌های نگارش ثبت گردد.

۱: استناد به متن خطی ناشناخته یا ناشناسانده

ایشان ۷ جا (صص ۳۹ سه بار، ۴۰، ۴۲، ۵۴، و ۵۵) به «دست‌نوشته کهن اصفهان» از تجارب السلف اشاره کرده که همه اشارات در نسخه چاپی عباس اقبال هم آمده بود. آیا می‌توان در صورت وجود متن چاپی، به متن خطی ناشناسانده استناد کرد؟ آن هم به

\*. Kooshyaregil@yahoo.com

نسخه‌ای که جا و مکانش شناخته نیست؟ بنظر می‌رسد عمل استناد در نگارش، برای تأکید بر استحکام نوشته، اطمینان قلبی خواننده و آسانی داوری در گفته‌ها و ادعاهای نویسنده باشد. آیا بهتر و معقول‌تر نیست اگر منبعی که هنوز چاپ نشده، نشانی آن داده شود تا در صورت امکان، خواننده بدان مراجعه کند؟ آیا بهتر و معقول‌تر نیست اگر به نکته‌ای استناد می‌شود که در نسخه چاپی نیست یا افتاده یا در نسخه مورد استناد کامل‌تر است، دلایل رجحان سند ارائه گردد؟ آیا بهتر و معقول‌تر نیست این تفاوت در نخستین جای ممکن در متن نوشته یا در نخستین پی‌نویس ذکر گردد؟ آیا اگر قرار باشد ازین پس بجای متن چاپی به متون خطی استناد گردد آیا سنگ روی سنگ بند خواهد شد؟

شاید مقصود نویسنده از «دست‌نوشته کهنه اصفهان»، همان نسخه عکسی - افسست با پیشگفتار و پیوستهای فراهم آورده استاد محمدعلی روضاتی باشد که در سال ۱۳۶۱ در اصفهان منتشر شد. بنظر این نگارنده باید به این موضوع اشاره می‌شد. البته در پی‌نویس ۲ و ۲۳ مقاله آورده:

«دست‌نوشته کهنه تجارب السلف (مبنای نسخه برگردان اصفهان)»

«دست‌نوشته کهنه اصفهان / مبنای نسخه برگردان»

که تأییدکننده همان نسخه چاپی است بدون تصریح، که شایسته استناد علمی نبود. دومین استناد به «دست‌نوشته کهنه اصفهان» خیلی جالب است. نویسنده برای ذکر تحصیلات هندوشاه نخبجوانی به تاریخ ادبیات در ایران ذبیح‌الله صفا (ج ۳/۱۲۴۳ و ۱۲۴۴) و منبعی دیگر استناد کرده است. اگر بگذریم که نوشته مورد استناد نویسنده، تنها در صفحه ۱۲۴۳ تاریخ ادبیات در ایران وجود دارد، منبع ذبیح‌الله صفا، صفحه ۳۴۷ تجارب السلف تصحیح عباس اقبال بود. پس نویسنده می‌افزاید:

خود در تجارب از شمس‌الدین کیشی به عنوان یکی از استادان خویش یاد کرده است و گفته: «ومولانا السعید، افضل المتأخرین، شمس الحق و الملة و الدین، محمد بن الحکیم الکیشی...»

و همه آن نوشته در صفحه ۲۰۰ تصحیح عباس اقبال هم آمده بود. معلوم نیست چه اصراری در استناد به «دست‌نوشته کهنه اصفهان» دارد!

۲: استناد به یادداشت شخصی ناشناسانده

نویسنده در پی نویسه‌های ۶ و ۲۲ به یادداشتهای علامه روضاتی بصورت زیر استناد کرده است:

«از یادداشتهای علامه روضاتی - دام مجده» و

«با بهره‌گیری از یادداشتهای علامه روضاتی - مدظله»

اگر از اصطلاحات تعارفی و متملقانه نوشته بگذریم که جایگاهی در نوشته‌های علمی ندارد و در نوشته‌های جناب جهانبخش بفرآوانی دیده می‌شود، باز هم شناخته نمی‌گردد که علامه روضاتی این یادداشتهای را در کجا نوشته، و خواننده هم که علم غیب ندارد که این یادداشتهای در همان نسخه‌ی ناشناسانده‌ی پیش گفته بکار رفته بود.

۳: استناد به یادداشت کتب چاپ نشده

نویسنده مقاله در پی نویس ۱ آورده که:

کسانی که طالب بررسی‌ها و آگاهی‌های بیشتر درباره‌ی هندوشاه نخبوانی و کار و کارنامه‌ی اویند - ان شاءالله تعالی - تفصیل مطلب را در پیشگفتار و تعلیقات تجارب السلف به تصحیح و توضیح جویا جهانبخش خواهند یافت که - به حول و قوه‌ی الهی - عن قریب از سوی انتشارات اساطیر راهی پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها خواهد شد.

و در پی نویس ۶ آورده:

درباره‌ی نادرستی سال ۷۲۴ به عنوان تألیف تجارب السلف در مقدمه‌ی متن

مصحح این کتاب توضیح داده‌ایم؛ رجوع شود

این‌که خوانندگان چقدر باید منتظر دیدن دلایل استناد نویسنده بنشینند از آنجا معلوم می‌گردد که نویسنده محترم مقاله، در مقاله‌ی الکترونیکی «استاد بزرگوار ما علامه روضاتی (مدظله)» که در سایت کتابخانه‌ی تخصصی تاریخ ایران و اسلام، و در تاریخ دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۸۴ (تقریباً دو سال پیش از نگارش این نوشته) انتشار داده، نوشته است که:

نسخه مصور در این نسخه برگردان همانا اقدم نسخ شناخته تجارب السلف و

نگارنده این سطور متن آن را تصحیح و تحشیه کرده که - ان شاءالله الرحمن -

بزودی از سوی «انتشارات اساطیر» (در تهران) منتشر می‌گردد.

خوانندگان این نامه نیز برای درک نادرستی تصحیح چاپ نشده تجارب السلف، رجوع کنند به مقاله اینجانب در جلد ۷۶ مجموعه مقالات منتشر نشده نگارنده. این به اون در.

#### ۴: یاری گرفتن از امدادهای غیبی

یاری گرفتن از اصطلاحات غیرمتداول در نگارش مقاله و تصحیح نسخه نیز از ابداعات نویسنده مقاله است که حتماً در نسخه مصحح ایشان نیز فراوان خواهیم دید. بهره‌گیری از امدادهای غیبی چون «ان شاء الله الرحمن»، «ان شاء الله تعالی» و «به حول و قوة الهی»، بنوعی دوپینگ (یا بفرموده فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیروافزایی) شمرده می‌شود و بهتر است هرچه زودتر در آن را بست و قفل کرد و کلید آن را در اقیانوس فراموشی افکند. موفق باشید.

